فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc91173682)

[ادله خاص تربیت عبادی 2](#_Toc91173683)

[دلیل اول؛ سیره 3](#_Toc91173684)

[قرائن بر اراده استحباب از سیره 3](#_Toc91173685)

[دلیل دوم؛ آیه اصطبار 4](#_Toc91173686)

[احتمالات در امر خانواده به نماز 5](#_Toc91173687)

[نکته بعد؛ سایر روش‌ها مصداق امر نیست 6](#_Toc91173688)

[نکته بعد؛ اهل در امر اهل به نماز 6](#_Toc91173689)

[نکته بعد بحث و اصطبر علیها 7](#_Toc91173690)

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین**

**و صلاة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم المصطفی محمد اللهم صل علی محمد و آله محمد و عجل فرجهم و علی آله الطیبین الطاهرین لا سیما بقیة الله فی الارضین**

# پیشگفتار

سلام و روز بخیر عرض می‌کنم خدمت شما عزیزان و طلاب معظم امیدوارم که سلامت و سرافراز باشید و به دعای خیر حضرت ولی عصر علیه السلام شامل شما عزیزان باشد.

جلسه گذشته موضوع بحث الزام و اجبار در تربیت عبادی و بررسی این موضوع از منظر فقه تربیتی ورود بحث داشتیم بحث مفهوم‌شناسی الزام و اجبار و واژگان متناظرش را به شکل مختصر و گذرا انجام دادیم

بعد از آن یک تحلیل مفهومی کردیم و گفتیم که سه سطح برای این مفهوم الزام و اجبار متصور شد. سطح خفیف و سطح متوسط و سطح شدید و حداکثری.

بعد از مفهوم‌شناسی وارد ادله وظیفه مندی خانواده به عنوان یکی از نهادهای موثر در تربیت عبادی وارد شدیم چون در همه نهادها امکان ورود نداریم فرصت اجازه نمی‌دهد بخشی از ادله را خواستیم ورود بکنیم و بحث الزام و اجبار را در آن ببینیم که ادله بیانش چیست و در این زمینه چه استفاده‌هایی می‌شود کرد؟ و نسبتش با الزام و اجبار در فرایند تربیت چگونه است از این منظر ورود کردیم.

در تربیت عبادی و بیشتر حول و حوش عبادت خاص نماز ورود کردیم نماز و روزه زکات هست واجبات دینی مثل خمس هست که بحث تربیت دینی شامل همه اینها می‌شود و مطروحات دین همه‌اش زیر مجموعه تربیت عبادی قرار می‌گیرد و ما بحث نماز که جایگاه ویژه دارد و ادله هم در این زمینه قابل توجه هست یک ورودی انشاءالله در ادامه بحث خواهیم داشت.

در زمینه آیه وقایه یک توضیح مختصر دادیم بعد از آن رساله حقوق را ورود کردیم این روایت شریفه معتبره هست این دو دلیل ادله عامه تربیت هستند و اختصاص به تربیت عبادی ندارند و در همه ساحات تربیت می‌شود از آن‌ها بهره برد.

# ادله خاص تربیت عبادی

در این جلسه وارد ادله خاص تربیت عبادی می‌شویم.

## دلیل اول؛ سیره

یک روایت اورده ایم، رویات متکثر هست و آیه هم داریم در این زمینه مثلاً از انبیاء عظام آیه شریفه ﴿**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتابِ إِسْماعيلَ إِنَّهُ كانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ كانَ رَسُولاً نَبِيًّا**[[1]](#footnote-1)﴾ یکی از انبیاء عظام بوده است حالا اینکه این همان اسماعیل فرزند جناب ابراهیم علیهماالصلاة و السلام هست یا خیر بحث تفسیری دارد که ورود نمی‌کنیم به هر حال یکی از انبیاء عظام هست ﴿ **وَ كانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَ الزَّكاة**[[2]](#footnote-2)﴾‌کان با فعل مضارع به کار برده می‌شود دلالت بر استمرار دارد سیره ایشان بوده است که اهل خود را به نماز و روزه امر می‌کرده است ﴿**وَ كانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا**[[3]](#footnote-3)﴾

یا مثلاً در مورد حضرت هود علی نبینا و آله و علیه السلام هست که خطاب به فرزندش می‌فرماید که ﴿**يا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلاة**﴾ این سیره هست و همچنین در سیره حضرات معصومین این وارد شده است درس آموزش سوره هست از حضرات معصومین علیهم السلام متکثر است

مثلاً حضرات معصومین علیهم السلام می‌فرمایند ﴿**إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْس**‏[[4]](#footnote-4)﴾ ما امر می‌کنیم بچه‌هایمان را به نماز وقتی ۵ساله هستند یعنی خودش نقل سیره است یعنی خود حضرات معصومین علیهم السلام سیره خود را نقل کرده‌اند در این روایت.

در اینکه این سیره محقق شده است هیچ تردیدی نیست در اینکه سیره اولا و بالذات دلالت بر جواز می‌کند وقتی سیره از طرف حضرات معصومین علیهم السلام صادر می‌شود چه انبیاء عظام و چه پیغمبر اکرم و چه ائمه هدی این دلالت بر جواز می‌کند بر سایر مکلفین و می‌توانیم حمل بر جواز کنیم آن عمل را.

## قرائن بر اراده استحباب از سیره

و اینجا قرائنی وجود دارد که شاید بتوان استفاده استحباب کرد.

یکی ذکر در آیات قرآن این نقل سیره در قرآن شریف آمده است شاید قرینه باشد

یکی دیگر این که خود نقل سیره از خود معصوم، یک وقت شخصی از معصوم علیه السلام سیره را نقل می‌کند ولی یک وقت خود معصوم علیه السلام سیره خود را نقل می‌کند بعد «نأمر» استفاده می‌کنند یک استمراری هم در آن هست که این سیره مستمره را می‌رساند

در مجموع شاید بتوان گفت اینجا حمل بر استحباب است یعنی این سیره در اینجا دلالت بر رجحان استحبابی امر و دعوت به نماز بکند.

این سیره را به صورت گذرا عبور می‌کنم. اینجا در سیره اینها تعبیر امر آمده است دعوت آمده است و هم این استحباب و رحجان را در بحث ما هم قابل استفاده هست.

## دلیل دوم؛ آیه اصطبار

دلیل بعدی که مهمتر و موثرتری هست آیه اصطبار هست که آیه شریفه اصطبار می‌فرماید ﴿**وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها لا نَسْئَلُكَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوى**[[5]](#footnote-5)‏﴾ این آیه شریفه خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هست که خدا خطاب به ایشان می‌فرماید که اهلت را دعوت به نماز کن و در این مسیر اصطبر علی‌ها که این اصطبر بحث دارد که چیست؟

در این آیه شریفه چند نکته قابل بررسی است

در اینجا تعبیر «و امر» آمده است فعل امر از ماده اَمَرَ است هم هیئت امریه داریم و هم ماده اَمَرَ در اینجا وجود دارد خداوند متعال پیامبر را امر می‌کند که امر به نماز کن که اینجا دلالت بر الزام می‌کند مخاطب در اینجا ملزم هست که اهل خودش را به نماز امر کند

سؤال و نکته‌ای که اینجا مطرح است این است که خطاب به پیامبر اکرم هست و چون خطاب به پیامبر است به سایرین نمی‌شود غیر از پیامبر اکرم این وظیفه را تعمیم داد و این وظیفه را به دیگران در نظر گرفت در پاسخ می‌گوییم اصل در خطابات و اصل در این است که خطابات اختصاص به پیامر اعظم ندارد و خطابات عامه هست و مصادیق بسیار زیادی داریم مثلاً آیه شریفه می‌فرماید ﴿ اقم الصلاة ﴾ به پیامبر اعظم می‌فرماید ﴿**أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى‏ غَسَقِ اللَّيْلِ**[[6]](#footnote-6)﴾ یا ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس**﴾ یا ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق**‏﴾ این تعابیر اینطوری دارد و اینها خطاب به پیامبر هست و خطاب عام است و جزو اختصاصات نیست و شامل همه می‌شود

اصل برعدم اختصاص به پیامر است مگر اینکه قرائن و شواهد و دلیلی داشته باشیم که ای‌ها از اختصاصات النبی هست. مثلاً ﴿**وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَك**[[7]](#footnote-7)‏﴾ می‌فرماید بخشی از شب را زنده بدار و این یک چیز خاص و نافله‌ای هست برای تو ﴿**عَسى‏ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُودا**[[8]](#footnote-8)‏﴾ می‌دانیم که این از اختصاصات پیامبر هست و نماز شب بر ایشان وجوب داشته است و حکم اختصاص به شخص پیامبر اعظم داشته اشت.

ولی سایر موارد خصوص پیامبر اعظم نیست و می‌توان به سایر اهل ایمان و مکلفین تسری داد

نکته دوم این است که شاید کسی بگوید اینجا ضمایر مذکر هست ﴿**وَ أْمُرْ أَهْلَكَ**﴾ اورده است و ضمایر چون مذکر هست اختصاص به پدر دارد.

می‌گوییم همانطور که در آیه وقایه گفتیم اینجا به دلالت لفظیه بر اساس اینکه اینجا قاعده تغلیب در ادبیات عرب اینجا هم هست این ضمیر مذکر شامل مونث‌ها هم می‌شود و مادرها هم وظیفه‌مند هستند یا بگوییم اگر دلالت لفظیه را قبول نداشته باشیم اینجا به ملاک و مناط در اینجا حکم قابل تسری به مادرها هست و آن‌ها هم وظیفه‌مند هستند و حتی ممکن است کسی ادعای اولویت بکند و بگوید اینجا ملاک به نحو اقوی در مادر وجود دارد و شاید اولویتی هم برای آن تصویر بکند

اما احتمال اول بسیار قوی‌تر هست و وظیفه مندی مادر را در آموزش نماز به فرزندان ثابت می‌کند.

نکته بعد اینجا تعبیر ﴿**وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاة**﴾ امر به نماز اورده است سؤال این است که این امر به نماز موضوعیت دارد اینجا امر وجوبی است مولا در اینجا یعنی خدای متعال امر کرده است و امتثال امر واجب است و سایر مکلفین هم، این امر قابل تسری هست ما همه مکلفیم و همه مومنین مکلف هستند اهل خود را به نماز امر کنند آیا با غیر امر اهل خود را به نماز دعوت کردند مثلاً با موعظه با تشویق و ترغیب آیا این امتثال صورت گرفته است یا خیر؟

# احتمالات در امر خانواده به نماز

احتمال اول این است که با غیر امر امتثال صورت نگرفته است و حتما باید امر به نماز در خارج محقق بشود.

احتمال دوم این است که این آیه شریفه این تأکید امر را اورده است و مفاد آیه شریفه ترغیب و تشویق به نماز هست

هر روش عملی و زبانی که در آموزش نماز و نماز اموزی فرزندان موثر باشد قابل استفاده هست و به هر شکلی که محقق بوشد امتثال امر این آیه شریفه محقق می‌شود

احتمال سوم این است که بر اساس اصالة الموضوعیة وقتی شارع مقدس مخاطب را به چیزی امر می‌کند آن متعلق و آن چیزی که به آن امر شده است موضوعیت دارد و همان باید اتیان بشود و مولا به امر به نماز امر فرموده است فرموده است اهل خود را امر کنید پس در اینجا روش امر به نماز موضوعیت دارد ولی حالا آیا سایر استفاده از سایر روش‌ها اشکال دارد؟

می‌گوییم نه اینجا می‌توانیم الغاء خصوصیت کنیم بگوییم اگر چه امر به نماز خیلی جایگاه خاص دارد ولی اتیان به سایر روشهای تربیتی مثل موعظه و نصیت و تبیین و تشویق و سایر امور همه می‌تواند مشمول این دلیل قرار بگیرد و اینها می‌تواند در امتثال این حکم موثر باشد. الغاء خصوصیت کردن در اینجا ممکن است و برای امر کردن خصوصیت خیلی ویژه‌ای را نمی‌توانیم لحاظ کنیم.

در یبن این سه احتمال، احتمال اول موضوعیت داشتن امر به نماز است

احتمال دوم این است که موضوعیت ندارد همه روش‌ها در عرض هم هستند

احتمال سوم این است که اصل بر این است که امر به نماز باشد و سایر روش‌ها هم قابل استفاده از این آیه شریفه هست و می‌توان از آن‌ها در نماز اموزی فرزندان استفاده کنیم.

# نکته بعد؛ سایر روش‌ها مصداق امر نیست

اینکه سایر روش‌ها مصداق امر نیستند زیرا امر کردن یک مختصاتی دارد و شرایطی دارد الان دراین نکته بعد اشاره می‌کنیم که امر به نماز یکی از مصادیق خاصه امر به معروف و نهی از منکر است وقتی که در امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌شود که شما در فلان مورد وظیفه دارید وقتی می‌بینید آن معروف ترک می‌شود او را امر به معروف بکنید در مورد باید آن حالت امرانه و درخواست لفظی آمرانه حاکم باشد در غیر این صورت اینجا امر به معروف نیست ممکن است برای او توضیح بدهید و تبیین کنی مثل ارشاد جاهل، حکم را تبیین می‌کنی، مسئله می‌گویی، می‌گویند این امر به معروف نیست این تبیین موضوع می‌کند و بیان حکم می‌کند

مثلاً امر به معروف می‌بیند طرف گران فروش است یا تضییح حق مردم می‌کند یا تخلفی را انجام می‌دهد یا معصیتی انجام می‌دهد می‌آید می‌گوید این کار را نکن، از این مسیر برو، مزاحم مردم نشو، امر به معروف با حالات آمرانه باشد که مصداق امر و نهی از منکر قرار بگیرد.

این آیه شریفه یکی از مصادیق خاصه امر به معروف و نهی از منکر عامه هست که به عنوان یک دلیل بسیار گسترده در فراینت تربیت مطرح هست و یکی از قواعد عامه تربیت هست و ویژه بودن آن به این است که این امر فقط در امر به نماز مطرح هست. در سایر امور نیست در اینجا تأکید ویژه‌ای به نماز از سوی سرپرست خانواده مطرح شده است.

امر به معروف اگر می‌خواهیم مصداق امر قرار بگیرد باید این لفظ آمرانه بودن و مراتب خیلی حداقلی آن که قلباً متنفر و منزجر از عمل باشد این خیلی حداقلی است که تعبیر امر به معروف آیا شامل این بشود یا نشود یک بحث است.

بحث ما این است که این امری که از سوی سرپرست خانواده مطرح می‌شود زیر مجموعه امر به معروف قرار می‌گیرد و بعید است موعظه و سایر امور هم قرار بگیرد

روشهای دیگری هستند که به عنوان روشهای تکمیلی تتمیمی در فرایند تربیت به کار برده می‌شود

# نکته بعد؛ اهل در امر اهل به نماز

تعبیر اهل است که گفتیم حد اقل همان اعضای خانواده هستند که همسر و فرزندان و پدر و مادر می‌شوند البته اهل دایره‌هایش به صورت حلقه‌ای قابل گسترش هست دایره را وسیع‌تر کرد بستگان نزدیک و کسانی که با انسان زندگی می‌کنند در دایره بسیار وسیعتر می‌شود تصور کرد قوم و قبیله‌ها هستند و بعضی از تحلیل‌ها می‌شود این را برداشت کرد که اهل یعنی افرادی که تحت تأثیر انسان هستند مثل مدیر یک مجموعه اداری تمام کارمندان آن مجموعه اهل آن به تعبیری حساب می‌شوند امام جامعه مسلمین همه مجموعه تحت حکومت ایشان همه اهل آن حساب می‌شوند و نسبت به آن‌ها وظیفه‌مند هست در تربیت و سایر امور که حالا بحثی هست که در احتمال دایره عهد مطرح هست.

این آیه شریفه وقتی نازل شد در خطاب به پیامبر اکرم در مدینه منوره، بعضی نقل‌ها هست که تا چهل روز و بعضی نقل‌ها هست تا شش ماه هر روز و هر نماز تشریف می‌اوردند در منزل حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین علیهما االسلام می‌فرمودند السلام علیکم و رحمة الله و برکاته بعد از آن دستهای مبارکشان را دو طرف در می‌گذاشتند و می‌گفتند الصلاة، الصلاة یرحمکم الله نماز، نماز، خدا رحمت کند شما را، سپس این آیه شریفه را ﴿**إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيرا**[[9]](#footnote-9)﴾ را قرائت می‌کردند این کل اهل خانه را دعوت به نماز می‌کردند در بین اهل این خانه هم حضرت علی علیه السلام بود و هم حضرت زهرا علی‌ها السلام بود و هم امام مجتبی و امام حسین علیهما االسلام بودند و کل این مجموعه را امر به نماز می‌کردند و اجمالا امر به نماز محقق می‌شده است و اینکه امر به نماز در کودکان از چه سنی شروع می‌شود این امر تمرینی هست آیا استحباب در آن هست یا خیر اینها را خواهیم گفت.

# نکته بعد بحث و اصطبر علیها

اصطبار یعنی خود را به صبر وادار کردن باب افتعال است، می‌فرماید اصطبر علیها، ضمیر علی‌ها به چه بر می‌گردد، دو احتمال مطرح است یکی اینکه به نماز بگردد یعنی اهل خود را امر به نماز کن و بر این امر به نماز پایداری به خرج بده و صبر کن و بردباری به خرج بده یا اینکه ضمیر‌ها به الصلاة برگردد یعنی امر به نماز کن و بر نماز پایداری کن.

این دو احتمال است و طبیعتاً احتمال دوم راجح هست برای اینکه بر اساس ادبیات عرب ضمیر به اقرب موارد بر می‌گردد و در اینجا صلاة برای مرجع ضمیر نزدیک‌تر است ولی خلاف این هم هست که ممکن است به «افیت» برگردد آن قرائن و شرایط می‌خواهد و محضوراتی ممکن است باشد که نتوانیم برگردانیم

اینجا این می‌شود که امر به نماز کن و خودت هم در نمازت بردباری به خرج بده و این اشاره به آن نقش تربیتی و الگویی سرپرست خانواده در امر به نماز دارد یعنی خودت هم اهل نماز باش و مقاومت و استمرار و اهتمام و توجه به نماز داشته باش در کنار آن امر به نماز هم داشته باش. این دو در کنار هم تقویت کننده و تکمیل کننده هم هستند نمی‌شود یکی باشد و دیگری نباشد اهتمام شخصی و تنهایی کفایت نمی‌کند و امر به تنهایی هم کفایت نمی‌کند نمی‌شود خود پدر و مادر نسبت به نماز کاهل به نماز و استخفاف به نماز باشد نماز را دیر موقع و بد موقع بخواند و بچه‌ها را مدام امر به نماز بکند و توقع داشته باشد بچه‌ها اهل به نماز بشوند و توجه به این فریضه داشته باشند از آن طرف نمی‌شود پدر و مادر فقط سر در لاک خود داشته باشند و نماز خود را اول وقت بخوانند و توجه هم داشته باشد و کار به کار بچه نداشته باشند این دو تکمیل کننده هم دیگر هستند

خدای متعال فرموده است هم امر به نماز داشته باش و هم اصطبر علی‌ها بر نماز پایداری به خرج بده.

در مجموع بر اساس این آیه شریفه بر والدین واجب است که فرزندان خود را چه پیش از بلوغ و چه بعد از بلوغ امر به نماز داشته باشند که بیشتر در امر به نماز متجلی می‌شود دیگر روش‌ها هم قابل استنفاده هست و به تناسب شرایط و به میزان تأثیرگذاری که دارند می‌شود از روشهای دیگر در این فرایند استفاده کرد و در کنار امر به نماز توجه خود والدین به نماز هم اصطبار و پایداری به اتیان به نماز هم این بسیار موثر خواهد بود.

روایت متنوع و متکثری هم در امر آموزش نماز به فرزندان داریم که روایت ویژه‌ای است چون نماز بسیار با اهمیت است روایت متعددی هم در این زمنیه از سوی حضرات معصومین صادر شده است.

1. - سوره مریم، آیه 54 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مریم، آیه 55 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره مریم، آیه 55 [↑](#footnote-ref-3)
4. - الکافی، ج 3، ص 409 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره طه، آیه 132 [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره اسراء، آیه 78 [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره اسراء، آیه 79 [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره اسراء، آیه 79 [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره احزاب، آیه 33 [↑](#footnote-ref-9)